

فلسفه عرضه اعمال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام*

محسن زارع پور^۱

چکیده

آموزه عرضه اعمال از آموزه‌های اعتقادی اسلامی است که علاوه بر برخی آیات، تعداد فراوانی از روایات، پشتوانه آن هستند. فراوانی این روایات در حدّ تواتر معنوی است و نیاز به بررسی سندی را مرتفع می‌سازد. مطابق این آموزه، علاوه بر خداوند متعال که از کردار بندگان باخبر است، همه اعمال بندگان، در اوقاتی معین به محضر معصومین علیهم السلام، خصوصاً امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه عرضه می‌گردد. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری درصدد پاسخگویی به یکی از مهم‌ترین سؤالات در حوزه عرضه اعمال، یعنی پرسش از فلسفه عرضه اعمال است. یک چالش جدی در این حوزه این است که چرا فرشتگان نامه اعمال ما را هر هفته، هر ماه و هر سال بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه عرضه می‌کنند؟ این کار چه سودی دارد؟ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه بی‌شک از همه اعمال و رفتار ما در گذشته، حال و آینده خبر دارد. کسی که از همه چیز آگاه است، چرا باید نامه اعمال ما را ببیند؟ آیا مسئله تشریفاتی است یا فایده‌ای دارد؟ با تأمل در روایات عرضه اعمال و نیز ملاحظه کلمات شارحان اخبار، عرضه اعمال علاوه بر این که می‌تواند خود سرچشمه‌ای برای علم حجّت الهی باشد، می‌تواند زمینه احتجاج بر علیه بندگان در روز قیامت را فراهم کند، حس حیا و دوری از گناهان را در ایشان تقویت نماید، زمینه استغفار و دعای امام برای امت را مهیا کند، عبادتی تعریف شده برای فرشتگان باشد و از سویی دیگر عظمت مقام حجّت الهی را به همگان، از جمله فرشتگان الهی، تفهیم نماید.

واژگان کلیدی

علم امام، عرضه اعمال، رؤیت اعمال، مقام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه، شهادت بر اعمال.

مقدمه

یکی از مفاهیم اعتقادی موجود در منابع دینی، مسئله عرضه اعمال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است. عرضه اعمال اثر تربیتی فوق‌العاده‌ای در معتقدان به آن دارد؛ زیرا انسانی که از انجام کار خلاف پیش چشم یک کودک شرم دارد، هرگاه از عمق وجودش بداند علاوه بر

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۳

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام، دانشکده‌های فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران (zarepourmohsen@ut.ac.ir).

خداوند، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام و امام زمان عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ کردار او را مشاهده می‌کنند، بدون شک در اعمال خود مراقبت بیشتری به خرج خواهد داد و همین مراقبت، سعادت وی را تضمین خواهد کرد؛ چرا که مراقبت روزانه، به مثابه کاشتن بذر سعادت در وجود خود است. از همین رو است که سیستم نظارت در هر کشور، نقشی تعیین‌کننده در سلامت اداری و رفتاری آن جامعه دارد. هرگاه کارکنان مؤسسه‌ای بدانند همه روز یا همه هفته گزارش تمام جزئیات اعمال آنها به مقامات بالاتر داده می‌شود، طبیعتاً دست از پا خطا نخواهند کرد. همین سیستم نظارتی در دین مبین اسلام در قالب عرضه اعمال تعریف شده است.

ابعاد آموزه عرضه اعمال

آموزه عرضه اعمال گرچه همواره در لسان متدینین رواج داشته، ولی این آموزه ابعاد متنوعی دارد که معمولاً در هاله‌ای از ابهامات و سؤالات قرار دارد و پاسخ دقیق به آنها نیاز به تتبع و بررسی نصوص دینی و تحلیل آنها دارد. برخی از مهم‌ترین سؤالات در حوزه آموزه عرضه اعمال چنین باشد:

۱. عرضه اعمال چه مستنداتی در قرآن و روایات دارد؟
 ۲. فلسفه عرضه اعمال چیست؟
 ۳. اختلاف روایات در مورد زمان عرضه اعمال چگونه قابل تحلیل است؟
 ۴. کیفیت عرضه اعمال چگونه است؟
 ۵. عرضه اعمال به غیر خدا چگونه با ستاربت خداوند متعال سازگار است؟
- آنچه در این نوشتار بدان پرداخته خواهد شد، تنها پاسخ به یک سؤال است و آن این‌که چرا اعمال ما مُدام به صورت روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه، به اولیای دین عرضه می‌شود؟ مگر نه این است که حجت خدا بی‌شک از همه اعمال و رفتار ما در گذشته، حال و آینده خبر دارد؟! با این توصیف آیا عرضه اعمال، مسئله تشریفاتی است یا فلسفه‌ای دیگر دارد؟

پیشینه پژوهش

تلاش‌هایی که تاکنون در حوزه تبیین آموزه عرضه اعمال صورت گرفته به شرح ذیل است:

۱. مقاله علمی پژوهشی «تحلیلی بر مسئله عرض اعمال با رویکردی بر آیه ۱۰۵ توبه» نوشته سید محمدرضا حسینی‌نیا که در نشریه مطالعات تفسیری (زمستان ۱۳۹۸، شماره ۴۰، ص ۲۳-۳۴) نشر یافته است. همان‌گونه که پیداست این پژوهش از دو جهت با موضوع پژوهش جاری متفاوت است؛ یکی این‌که بیشتر رویکرد تفسیری نسبت به آیه ۱۰۵ سوره توبه دارد، و دیگر

این‌که به همه ابعاد عرضه اعمال اشاره دارد و گرچه در لابه‌لای بحث خود به فلسفه عرضه اعمال نیز اشاراتی دارد، ولی به صورت تخصصی، جامع و مستقل به بحث فلسفه و حکمت عرضه اعمال ورود ندارد.

۲. مقاله علمی پژوهشی «بررسی اطلاع ارواح و پیامبر ﷺ از عالم دنیا و عرضه اعمال به آنها از نگاه وهابیت» نگاشته مهدی فرمانیان که در نشریه سلفی پژوهی (پائیز و زمستان ۱۴۰۰، سال هفتم، شماره ۱۴، ص ۷-۲۸) نشر یافته است. این اثر مربوط به اصل آموزه عرضه اعمال و بررسی ادله موافقان و مخالفان آموزه عرضه و خصوصاً نقد انکار وهابیت نسبت به این آموزه است و ارتباطی با حوزه فلسفه عرضه اعمال ندارد.

۳. مقاله علمی پژوهشی «چیستی عمود نور» نوشته رسول رضوی و محمدتقی شاکر که در فصل‌نامه علوم حدیث (بهار ۱۳۹۱، شماره ۶۳، ص ۴۲-۶۵) منتشر شده و همّت نویسندگان آن بر تبیین چیستی «عمود نور» به عنوان یکی از منابع علم امام متمرکز شده است. از این جهت که تعبیر عمود نور ناظر به کیفیت عرضه اعمال است، این پژوهش به حوزه آموزه عرضه اعمال مرتبط است، ولی هسته اصلی آن مربوط به ریزموضوع کیفیت عرضه اعمال است نه فلسفه عرضه اعمال.

۴. مقاله علمی پژوهشی «منابع علم امام در قرآن» نوشته محمدتقی شاکر اشتیجه که در دوفصل‌نامه امامت پژوهی (تابستان ۱۳۹۱، شماره ۶، ص ۱۶۵-۱۸۶) نشر یافته است. در این پژوهش در لیست منابع علم امام از «عمود نور» به عنوان یکی از منابع علم امام نام برده شده است. این نگاشته از این جهت که عمود نور را یکی از منابع علم امام می‌داند، می‌تواند به عنوان یکی از حکمت‌های عرضه اعمال تلقی شود، ولی به صورت ویژه به بحث حکمت عرضه ورود ندارد و از این جهت تأمین‌کننده هدف پژوهش کنونی نیست.

۵. مقاله علمی تخصصی «بررسی تناقض میان عرضه اعمال و ستار العیوب بودن خدا» نوشته سجاد ابراهیمی که در نشریه پژوهش و مطالعات اسلامی (اردیبهشت ۱۴۰۰، سال سوم، شماره ۲۲، ص ۷۲-۸۰) منتشر شده و همّت آن بر رفع تناقض ظاهری میان آموزه عرضه اعمال و صفت ستاریت خداوند متعال است و با موضوع پژوهش کنونی که بحث از فلسفه عرضه اعمال است، نسبتی ندارد.

۶. مقاله علمی تخصصی «اهل بیت ﷺ شاهدان اعمال» نوشته احسان پور و عبدالهادی مسعودی که در فصل‌نامه کتاب و سنت (تابستان ۱۳۹۴، شماره ۷، ص ۳۵-۵۲) چاپ شده و سعی بر آن دارد که واژه «المؤمنون» در آیه شهادت (توبه: ۱۰۵) را با قرائن و شواهد

بر اهل بیت علیهم السلام تطبیق نموده و نظریه اهل سنت در تفسیر این آیه را به چالش بکشد و از این رو ورودی به بحث فلسفه عرضه اعمال ندارد.

با توجه به پیشینه‌ای که از پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه آموزه عرضه اعمال ذکر شد، جای یک پژوهش تخصصی و مستقل در حوزه بررسی فلسفه عرضه اعمال خالی است و این نوشتار در صدد پر کردن این خلأ است.

عرضه اعمال آموزه‌ای قرآنی و روایی

اصطلاح «عرضه اعمال» به معنای ارائه کردن اعمال بندگان به کسی، در آیات قرآنی به چشم نمی‌خورد، لیکن دو عنوان «شهادت بر اعمال» و «رؤیت اعمال» با عرضه اعمال تناسب دارد که در حدود ۲۲ آیه از قرآن کریم آمده است. در برخی از این آیات خداوند به عنوان شهید و شاهد (نساء: ۳۳) در برخی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان شهید بر امت (احزاب: ۴۵) معرفی شده و در برخی دیگر، سخن از شهادت در میان تمام امم و شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر شاهدان سایر امم است (نساء: ۴۱)؛ گاه نیز سخن از اتخاذ شهید از میان امت پیامبر صلی الله علیه و آله است (آل عمران: ۱۴۰)؛ در برخی آیات نیز سخن از شهادت حضرت مسیح علیه السلام بر امت خویش در روز قیامت (نساء: ۱۵۹) به میان آمده است.

در یک آیه هم سخن از رؤیت اعمال بندگان توسط خداوند متعال و رسول وی است: «سَبِّحْ لِلَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ» (توبه: ۹۴)؛ و در آیه‌ای دیگر مؤمنان نیز به رؤیت‌کنندگان افزوده شده‌اند (توبه: ۱۰۵).

مطابق آیات قرآن کریم، یکی از شئون رسالت انبیاء علیهم السلام، «شاهد بودن» ایشان است. از این رو نبی و رسول هر قومی، شاهد بر آنهاست؛ البته خود جماعت شاهدان نیز، شاهدی گماشته بر خویش دارند و آن کسی نیست، جز افضل ایشان، حضرت محمد صلی الله علیه و آله:

«فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء: ۴۱).

ظاهر تعدادی از روایات تفسیری این است که عرضه اعمال، شهادت بر اعمال و رؤیت اعمال، هر سه یک ناظر به یک حقیقت هستند؛ به عنوان نمونه محمد بن مسلم و زراره می‌گویند از امام صادق علیه السلام سؤال کردیم که آیا اعمال بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود؟ حضرت فرمود:

بدون شک چنین است! سپس این آیه را تلاوت فرمود: «قُلْ اَعْمَلُوا فَيَسِيرَ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ».

و فرمود:

خداوند در زمین شاهدانی دارد (صَفَّار ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۴۳۰).

عبارت پایانی روایت (خداوند در زمین شاهدانی دارد)، می‌تواند مؤید وحدت سه عنوان شهادت و عرضه اعمال و رؤیت اعمال باشد؛ زیرا در سؤال سخن از عرضه است و در پاسخ امام رؤیت اعمال و شهادت بر آن مطرح شده است. چه این که مراجعه به روایات تفسیری آیه رؤیت اعمال (توبه: ۹۴ و ۱۰۵) نشان می‌دهد که مراد از رؤیت اعمال توشط این سه گروه، همان عرضه اعمال به ایشان است. به همین خاطر، احادیث تفسیری این دو آیه در کتب روایی ذیل عنوان عرضه اعمال گنجانده شده و نمایشگر دریافت محدثان متقدم در این زمینه است (صَفَّار ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۴۲۴؛ کلینی ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۱۹). به عنوان نمونه از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده:

تمام اعمال هر روز صبح بر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرضه می‌شود، هم اعمال خوبان و هم اعمال بدان. پس برحذر باشید و این همان فرموده خداوند متعال است که فرمود: *اَعْمَلُوا فَيَسِيرَىٰ إِلَيْهِ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ* (کلینی ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۱۹).

براساس روایات، تشریح نوافل یومیّه و سه روز روزه در هر ماه در سنت نبوی نمونه‌ای از محصولات رصد اعمال امت توشط رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. شیخ مفید رَحِمَهُ اللَّهُ از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

پس از عرضه اعمال اتمم در اکثر آن خلل و نقصانی دیدم، از این رو برای جبران آن، این اعمال را به واجبات افزودم (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۴۲۷).

فراوانی احادیث عرضه اعمال (بیش از ۵۰ روایت)، موجب تواتر معنوی اصل عرضه اعمال بوده و جایی برای تردید و مناقشه در اصل این عقیده باقی نمی‌گذارد. لازم به ذکر است، محمدبن حسن صفّار (ت ۲۹۰ق) ۶۶ روایت، کلینی (۳۲۹ق) ۶ روایت، شیخ حرّ عاملی (۱۱۰۴ق) ۲۵ روایت در *وسائل* و ۱۰ روایت در *هدایة الأئمة*، فیض کاشانی (۱۰۹۱ق) ۹ روایت، علامه مجلسی (۱۱۱۰ق) ۷۵ روایت و محدّث نوری (۱۳۲۰ق) ۱۱ روایت درباره عرضه اعمال نقل نموده‌اند.^۱ البته به صورت طبیعی تعدادی از روایات موجود در منابع متأخر تکرار و برگرفته از منابع متقدم است ولی برای اثبات کثرت و تواتر این روایات همین بس که قدیمی‌ترین منبع از منابع مذکور کتاب *بصائر الدرجات* است که در آن ۶۶ روایت در زمینه عرضه اعمال نقل شده

۱. رک: صفّار ۱۴۰۴ق: باب ۹، ۷، ۶، ۵، ۴؛ کلینی ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۱۹؛ عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۱۰۷، ۱۰۶؛ عاملی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ۵۶۷، باب ۱۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ۵۴۴، ۷۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۳، ۲۳۳؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۲، ۱۶۱.

است.

علاوه بر این، مرحوم مجلسی اول به صحت و کثرت این اخبار شهادت داده و می‌نویسد:
... وهذا الخبر وغيره من الأخبار الصحيحة الكثيرة تدلّ على عرض الأعمال (مجلسی،
۱۴۰۶ق: ج ۱، ۴۸۶).

از معاصرین هم، آیت‌الله مکارم شیرازی کثرت اخبار عرض را ثابت دانسته است (مکارم
شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۸، ۱۲۵).

همان‌گونه که مرحوم مجلسی تصریح کرد تعداد قابل توجهی از این اخبار از صحت سند و
اعتبار لازم برخوردار هستند؛ لکن از آن جا که موضوع این پژوهش اثبات اصل آموزه عرضه
اعمال نیست و این نوشتار صرفاً به فلسفه عرضه اعمال می‌پردازد، اثبات مدّعی صحت
روایات این بحث مجالی دیگر می‌طلبد، گرچه کثرت و تواتر این روایات ما را از بررسی سندی
تک تک روایات بی‌نیاز می‌نماید و جایی برای تشکیک در این اعتقاد باقی نمی‌ماند.

علاوه بر این که آموزه عرضه اعمال در روایات اهل سنت نیز موجود است و جایی برای تردید
در صحت این آموزه باقی نمی‌گذارد، البته با این تفاوت که عرضه اعمال در نزد ایشان تنها
نسبت به پیامبر اکرم ﷺ آن هم پس از وفات یا شهادت ایشان صورت می‌گیرد، ولی در فضای
روایات شیعه، بحث از عرضه اعمال نسبت به اوصیای پیامبر اکرم ﷺ نیز مطرح است. به
عنوان نمونه از رسول اکرم ﷺ روایت کرده‌اند که فرمود:

وَفَاتِي خَيْرٌ لَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيَّ أَعْمَالُكُمْ؛

وفات من برای شما بهتر از زمان حیات من است؛ زیرا اعمال شما پس از وفاتم بر من
عرضه می‌شود.

صحت سند این حدیث از ناحیه تعداد قابل توجهی از علمای اهل سنت همچون
غزالی (غزالی، بی تا: ج ۴، ۱۴۸) و هیثمی (هیثمی، ۱۴۱۴ق: ج ۹، ۲۴) مورد تصریح قرار گرفته
است.

اهمیت و فلسفه عرضه اعمال

یکی از مهم‌ترین سؤالاتی که در بحث عرضه اعمال مطرح است، این است که برای عرضه
اعمال چه حکمتی وجود دارد؟

آنچه در بدو امر به ذهن می‌رسد این است که عرضه اعمال به حجت الهی به منظور آگاهی
یافتن وی از اعمال امتی است که سرپرستی و هدایت آنها را بر عهده دارد، ولی این تصویر با



چالش مواجهه است؛ ضمن این که حکمت‌های دیگری نیز برای عرضه اعمال می‌توان ذکر نمود. از این رو در ادامه با تحلیل ادله نقلی عرضه اعمال و نیز بررسی کلمات اندیشمندان اسلامی سعی بر نزدیک شدن به حکمت‌های حقیقی عرضه اعمال و نیز فرض‌های متصور برای آن داریم.

۱. عرضه اعمال سرچشمه علم حجت الهی

بدون شک علم و آگاهی یکی از لوازم لاینفک سفارت الهی و هدایت جامعه است؛ از طرفی دیگر ضرورت علم و آگاهی حجت الهی منحصر در آگاهی‌های مربوط به مدیریت عمومی جامعه نیست و آگاهی از هر آنچه در هدایت و رسیدن جامعه و تک‌تک اعضای آن به سرمنزل مقصود دخیل است، مورد نیاز پیامبر ﷺ، امام و حجت الهی است.

برخی معتقدند در همین راستا، یکی از شئوناتی که امام و حجت الهی برای تحقق هدایت الهی باید از آن مطلع باشند، اعمال و رفتار مردمان است و این گوشه از علم مورد نیاز حجت الهی با عرضه اعمال به محضر ایشان تأمین می‌شود (نک: نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۸۹؛ شاکر اشتیجه، ۱۸۳؛ شاکر و نوراللهی، ۱۶۹-۱۷۱).

در مقابل ممکن است گفته شود شیعه معتقد است که حجت خدا باید عالم‌ترین مردمان زمان خود باشد و علم او همانند علم پیامبر حضوری، موهبتی و فراگیر باشد. لذا در بخشی از روایات علم امام به «علم ما کان و ما یکون و ما هو کائن» توصیف شده است (صقار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۲۷). از دقت در مضمون این دسته از روایات به خوبی معلوم می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام و خصوصاً امام زمان علیهم‌السلام، از رفتار و حتی نیت‌های شیعیان خود باخبر هستند. در این خصوص از وجود مبارک حضرت بقیة الله ﷺ هم این جمله مشهور وارد شده که فرمود:

هیچ یک از اخبار شما از دید ما پنهان نمی‌ماند (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۹۷).

با این مقدمه که امام به همه چیز آگاه هست، عرضه اعمال نمی‌تواند موجب علم امام باشد؛ زیرا امام از پیش این علم را دارد.

در پاسخ این شبهه می‌توان گفت: این پیش فرض که امام به عنوان حجت الهی به همه چیز آگاه است، بدین معنی نیست که علم و آگاهی ذاتی وجود اوست؛ چرا که غیر از وجود حق تعالی هیچ کس علمش ذاتی نیست؛ بنابراین همین علم مورد اعتراف برای امام و حجت الهی باید بالاخره از جایی تأمین شود و همین نکته باعث شده که اندیشمندان اسلامی در مباحث

کلامی، در جست‌وجوی منابعی برای علم امام باشند.

با این مقدمه، فرضیه قابل قبول برای جمع بین علم امام و عرضه اعمال، می‌تواند این باشد که خود عرضه اعمال را منبعی برای علم امام به اعمال بندگان یا لااقل یکی از منابع آن بدانیم.

از ظاهر برخی روایات عرضه اعمال نیز این مطلب قابل استفاده است که عرضه اعمال منشأ علم حجت الهی است. به عنوان نمونه سماعه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

مَا لَكُمْ تَسْؤُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛

چرا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را آزار می‌دهید؟!

کسی از میان جمع سؤال کرد: «چگونه ایشان را آزار می‌دهیم؟» فرمود:

أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَأَى فِيهَا مَعْصِيَةً سَاءَةً ذَلِكُمْ فَلَا تَسْؤُونَ رَسُولَ اللَّهِ وَ سُرُوءُهُ؛

مگر نمی‌دانید که اعمال شما بر ایشان عرضه می‌شود؟! پس ایشان اگر در اعمال شما گناهی ببینند، او را ناراحت می‌کند؛ پس رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ناراحت نکنید و بلکه او را [با کارهای خوب خود] شاد کنید (کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۲۱۹).

ظاهر این روایت این است که به موجب عرضه اعمال است که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از کردار افراد امتش باخبر می‌شود و پیش از آن علمی به آن ندارد. ناگفته نماند که با پذیرش این که عرضه اعمال منبع علم است، حداقل با دو چالش مواجه خواهیم بود:

چالش اول در حوزه عرضه به محضر پروردگار است؛ زیرا در برخی ادله عرضه اعمال، در کنار عرضه به حجت الهی، سخن از عرضه به خداوند متعال هم به میان آمده است (توبه: ۱۰۵) و با تلقی مطلق بودن علم الهی سازگار نیست؛ زیرا علم پیشین الهی به حوادث مسلم است و قرآن کریم هم نه تنها همه چیز را در پیشگاه خداوند آشکار و هویدا می‌داند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ﴾ (آل عمران: ۵) بلکه خداوند را حائل میان شخص و قلب وی می‌داند: ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ﴾ (انفال: ۲۴) به گونه‌ای که خداوند متعال نه به محض خطور نیت عمل، بلکه بسیار پیشتر از آن، به رفتار انسان آگاه است. از این رو به ناچار برای عرضه اعمال به محضر ربوبی، باید فلسفه و فایده دیگری جست.

چالش دوم در حوزه عرضه به محضر حجج الهی است؛ زیرا در روایات، تقریباً دوازده زمان

برای عرضه اعمال ذکر شده است؛ این اوقات عبارتند از: روز دوشنبه و پنج‌شنبه [هر هفته] (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۴۱۰)، پنج‌شنبه آخر هر ماه (ابن طاووس، ۱۴۱۵ق: ۲۶۷)، هر پنج‌شنبه (صقار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۴۲۸)، هر پنج‌شنبه و نیمه شعبان (صقار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۴۲۴)، هر صبح و شام (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷ق: ۳۴) (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۳۴۱)، هر صبح (صقار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۴۲۸)، هر روز (صقار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۴۳۰)، هر شبانه‌روز (صقار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۴۲۹)، هر جمعه (کوفی، ۱۴۱۰ق: ۲۶۷) (ابن حیون مغربی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۴۴۴) (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش: ۵۶۳)، روز عرفه (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۳، ۳۴۵)، شب اول قبر (صقار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۴۲۸)، روز قیامت (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش: ۱۰۴) (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۵۷) (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ۱۶۸)، هر پنج‌شنبه، ابتدای هر ماه و نیمه شعبان (عده‌ای از علما، ۱۳۸۱ش: ۲۳۷).

با پذیرش کمترین فاصله میان هر عرضه با عرضه بعدی، لازمه این‌که عرضه منبع علم امام باشد این است که حجت الهی با تأخیری چندین ساعته از کردار امت خود باخبر شود در حالی که شخص صاحب عمل همان دم به کردار خود آگاه است و لازمه‌اش این است احاد امت نسبت به کردار خویش از امام خود پیشی گرفته و آگاه‌تر باشند.

همین شبهه باعث شده برخی چون حافظ رجب برسی (ت ۸۱۳ هـ) از این‌که عرضه منشأ علم باشد رویگردان شده و فلسفه دیگری برای عرضه اعمال ارائه نمایند. به عقیده وی این چالش هم در عرضه به محضر ربوبی و هم در عرضه به محضر حجت الهی مطرح است که مسئله از دو صورت خارج نیست: یا ایشان پیش از عرضه اعمال بدان آگاهند که در این صورت عرضه عمل کاری لغو خواهد بود و یا از آن بی‌اطلاعتند که پیامد باطل آن آگاهتر بودن بندگان از خداوند و امت از امام خود را به دنبال خواهد داشت (حافظ برسی، ۱۴۲۲ق: ۲۱۴).

به نظر می‌رسد شبهه تأخیر در اطلاع امام، این فلسفه را برای عرضه اعمال با چالش جدی مواجه می‌کند، مگر این‌که تعابیر دوازده‌گانه در اوقات عرضه عمل را کنایه از قطعیت عرضه و مشاهده آن به آن امام نسبت به کردار امت بدانیم تا تأخیری لازم نیاید.

۲. شهادت بر اعمال و اتمام احتجاج در قیامت

یکی از ریز موضوعات مربوط به عالم آخرت مسئله شهادت شاهدان بر اعمال انسان است. گرچه خداوند متعال بر اعمال ریز و درشت همه بندگان شاهد و ناظر و بدان عالم است، لکن برای اتمام حجت بر بندگان در فرایند محاسبه اعمال از شاهدانی دیگر نیز استفاده می‌کند تا هیچ راه انکاری برای بندگان نسبت به کردارشان باقی نماند. یکی از شاهدان عرصه محشر،

حجج الهی اعم از انبیا و اوصیای ایشان هستند. این وجه به عنوان فلسفه عرضه اعمال، از برخی روایات قابل استفاده است، مانند این که امام صادق علیه السلام فرمود:

... برای امام مناره‌ای از نور افراشته شود که به وسیله آن کردار همه مردم را می‌بیند، و خداوند به وسیله این علم بر خلقش احتجاج می‌کند (صفا ۱۴۴ق: ج ۱، ۴۳۲).

علاوه بر این مستفاد از روایات این است که سه عنوان «عرضه اعمال»، «شهادت بر اعمال» و «رؤیت اعمال» هر سه ناظر به یک معنی و حقیقت هستند؛ زیرا در برخی روایات، عرضه اعمال، رؤیت اعمال و شهادت بر اعمال در یک طراز دانسته شده است؛ مانند روایت ذیل:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْأَعْمَالِ تُعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؟ قَالَ: مَا فِيهِ شَكٌّ! ثُمَّ تَلَاهُ هَذِهِ الْآيَةَ ﴿قُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ شُهَدَاءَ فِي أَرْضِهِ (صفا، ۱۴۴ق: ج ۱، ۴۳۰)؛

محمد بن مسلم زراره می‌گویند: از امام صادق علیه السلام سؤال کردیم که آیا اعمال بر رسول خدا صلى الله عليه وآله عرضه می‌شود؟ حضرت فرمود: «بدون شک چنین است» سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «بگو: هر کاری می‌خواهید بکنید که قطعاً خداوند و رسولش و مؤمنان کردار شما را می‌بینند».

تعبیر اخیر امام صادق علیه السلام، یعنی عبارت «إِنَّ لِلَّهِ شُهَدَاءَ فِي أَرْضِهِ» در ذیل حدیثی که صدرش سخن از عرضه اعمال و در مستمسک امام هم سخن از رؤیت اعمال است، بهترین شاهد بر وحدت مقام شهادت بر اعمال، عرضه اعمال و رؤیت اعمال است.

ملکی میانجی (۱۴۱۹ق) نیز از جمله کسانی است که فلسفه عرضه اعمال به محضر ربوبی را همان احتجاج در دادگاه عدل الهی می‌داند و می‌نویسد:

أقول: عرض الأعمال على الله سبحانه ليس لأجل الاستخبار عنها والاستطلاع عليها؛ بل إنما يعدها ويحصيها ويحاسبها ليجزي عليها وللاحتجاج والتوبيخ والتفريع على مساويها والتشكر على حسناتها (ملکی میانجی، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ۴۴۹)؛

می‌گویم: عرضه اعمال بر خداوند سبحان نه برای اطلاع وی است؛ بلکه برای محاسبه بندگان براساس آن اعمال است تا بتواند براساس آن بر ایشان احتجاج کند و کارهای نیک‌شان را جزا داده و به خاطر بدی‌های‌شان توبیخ‌شان نماید.

البته آنچه در کلام ایشان محل بحث است، عرضه اعمال به محضر خداوند متعال است که در برخی ادله عرضه اعمال (توبه: ۱۰۵) در کنار عرضه به حجج الهی مطرح شده است.

با حفظ این مقدمه سؤال این جاست که اگر عرضه اعمال را منبع علم حجج الهی نسبت به

کردار بندگان بدانیم، این علم شهودی می‌تواند ابزاری برای احتجاج خداوند بر بندگان در روز قیامت باشد، ولی اگر عرضه اعمال به عنوان مبدأ علم پذیرفته نشود، با وجود علم حجج الهی به رفتارهای بندگان، عرضه اعمال در فرآیند شهادت بر اعمال چه ثمره‌ای خواهد داشت؟ پاسخ این است که علمی که در شهادت شهود معتبر است، علم حسی است؛ یعنی شهادت شاهد در صورتی پذیرفته است که خود شاهد آن واقعه بوده باشد وگرنه صرفاً دانستن و علم به یک حادثه، مجوز پذیرش شهادت ایشان نسبت به آن حادثه نخواهد بود. با این مقدمه خداوند متعال برای این که بتواند از برگزیدگان خویش به عنوان شاهد در دادگاه عدل خویش بهره‌بردار، ناگزیر باید زمینه مشاهده و رؤیت اعمال بندگان را برای ایشان در عالم دنیا فراهم کند و این مهم با فرآیند عرضه اعمال محقق می‌شود. به تعبیر دیگر، شهادت دو مرحله دارد: مرحله تحمّل شهادت و مرحله اداء شهادت و تحمّل شهادت بر اعمال در عالم دنیا و به وسیله عرضه اعمال محقق می‌شود و ادای شهادت نیز در عالم آخرت و در دادگاه محاسبه الهی صورت می‌گیرد.

۳. عرضه زمینه استغفار و دعای امام برای امت

عشق و محبت امام به امت از یک سو و اطلاع عمیق و دقیق ایشان از آثار اعمال و نیز بلیّات و خطرات پیش روی هر کس از سوی دیگر، وقتی با اطلاع ایشان از کردار انسان ضمیمه می‌شود، دعای خالصانه امام را برای ایشان به دنبال خواهد داشت. پس به قطع و یقین می‌توان گفت: چه بسیار آفات و بلیّات که بدون اطلاع ما و فقط به واسطه دعای امام از ما دفع شده و می‌شود. به همین خاطر وقتی عبدالله بن ابان به امام رضا علیه السلام عرض کرد: برای من و خانواده‌ام دعا کنید! حضرت در پاسخ فرمود:

مگر دعا نمی‌کنم؟! به خدا سوگند [از شما بی‌خبر نیستیم و] همه اعمال شما در هر شبانه‌روز به من عرضه می‌شود. [و من هر جا نیاز باشد برای تان دعا می‌کنم] (صقار، ۴۴ق: ۱، ج ۱، ۴۲۹).

امام زمان علیه السلام هم در توقیع خویش فرمودند:

ما مسلط هستیم و علم داریم به اخبار شما و هیچ خبری از شما برای ما پنهان نیست... همانا، ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم، چه، در غیر این صورت، سختی‌ها و گرفتاری‌ها بر شما فرو می‌آید و دشمنان شما را ریشه‌کن کرده و از بین می‌برند (قطب‌الدین راوندی، ۴۰۹ق: ۲، ج ۲، ۹۰۲).

رسول خدا ﷺ هم در روایتی به امیرالمؤمنین ﷺ فرمود:

يَا عَلِيُّ إِنَّ أَعْمَالَ شِيعَتِكَ سَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَأَفْرَحُ بِصَلَاحِ [بِصَالِحِ] مَا يَبْلُغُنِي مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَأَسْتَغْفِرُ لِسَيِّئَاتِهِمْ؛

یا علی! همانا اعمال تمام شیعیان تو هر جمعه بر من عرضه می شود و به خاطر کارهای خوب شان خوشحال می شوم و برای گناهان شان استغفار می کنم (کوفی، ۱۴۱۰ق: ۲۶۷؛ ابن حیون مغربی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۴۴۴؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶ش: ۵۶۳).

عبد الله بن اَبان زيات می گوید:

قُلْتُ لِإِمَامِ رِضَا ﷺ ادْعُ اللَّهَ لِي وَلِأَهْلِ بَيْتِي. فَقَالَ: أَوَلَسْتُ أَفْعَلُ؟! وَاللَّهِ! إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ. قَالَ: فَاسْتَغْظَمْتُ ذَلِكَ. فَقَالَ: لِي أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «وَقُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» قَالَ: هُوَ وَاللَّهِ عَلَيَّ مِنْ أَبِي طَالِبٍ ﷺ؛

به امام رضا ﷺ عرض کردم: برای من و خانواده ام دعائی بفرما! حضرت رضا ﷺ فرمودند: مگر من دعا نمی کنم؟! به خدا سوگند، سوگند اعمال شما هر شب و روز بر من عرضه می شود. راوی می گوید: پاسخ حضرت قدری بر من گران آمد. امام متوجه شدند و فرمودند: آیا کتاب خداوند عزوجل را نمی خوانی که می گوید: «عمل کنید که خدا و پیامبرش و مؤمنان عمل شما را می بینند.» به خدا سوگند منظور از مؤمنان علی بن ابی طالب ﷺ [و امامان دیگر از فرزندان او] است (ابن بابویه ۱۳۷۶ش: ۵۶۳).

البته پوشیده نیست که این دسته از روایات هم ظهور در این دارد که عرضه اعمال موجب علم و آگاهی حجت الهی است و این آگاهی نیز خود بستر دعای امام در حق افراد امت را فراهم می کند و باز هم این سؤال باقی است که با این پیش فرض که امام بدون عرضه اعمال هم به کردار امت آگاه باشد، چرا همین علم و آگاهی بستر دعا و استغفار امام برای امت را فراهم نمی کند و چه نیازی به عرضه اعمال هست؟

به گفته برخی یکی از وظایف امام و حجت الهی، استغفار برای گناهکاران امت خویش است تا از این رهگذر موانع هدایت ایشان مرتفع شده و زمینه بهره مندی ایشان از هدایت الهی بیشتر فراهم گردد و از این رو باید از کردار امت خویش مطلع باشند و این گونه اطلاع از اعمال انسان ها می تواند یکی از ادله عرضه اعمال به پیشگاه پیامبران و امامان معصوم ﷺ باشد (حسینی نیا، ۱۳۹۸ش: ۲۸). لکن باید دانست که شأن استغفار گرچه از برخی متون و حیاتی اجمالاً قابل برداشت است، لکن لازمه آن اطلاع از کردار امت است نه خصوص عرضه

اعمال؛ از این رو این سخن توجیه مناسبی برای عرضه اعمال نیست، مگر این که خود عرضه را منشأ علم به اعمال امت بدانیم که نقد و بررسی آن پیشتر گذشت.

۴. تحریک حس حیا و دوری از گناهان

بر همگان روشن است که انسان هرگاه متوجه باشد، کسی او را می بیند و یا از کردار او باخبر می شود، از انجام بسیاری اعمال ناشایست سر باز می زند. از این رو یکی از علل عرضه اعمال همان است که انسان حیا کرده و به سراغ کارهای زشت نرود؛ و این خود، یکی از ابزارهای هدایت بشر به سوی صلاح و فلاح است. امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید:

همانا اعمال و کردار بندگان، شامگاه هر پنج شنبه به پیامبران عرضه می شود؛ حال که چنین است هر یک از شما حیا کند که مبادا کرداری ناشایست از او به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه شود (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق: ج ۱۶، ۱۱۳).

ابوبصیر هم از امام صادق علیه السلام روایت می کند:

عَنْ أَبِي بصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ أُبْرَأُهَا وَفَجَأُهَا فَاحْذَرُوهَا وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى «اعْمَلُوا فَنَسِيرِي اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ» وَ سَكَتَ؛

در هر بامداد، کردار بندگان نیکوکار و فاسق بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه می شود؛ پس بر حذر باشید از کردار ناشایست. همین است معنای قول خدای تعالی «قل اعملوا فیسیری الله عملکم ورسوله...». پس از آن حضرت سکوت کرد (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۲۱۹).

شیخ حرّ عاملی (۱۱۰۴ ق) هم در کتاب *وسائل و هم در کتاب هداية الأمة إلى أحكام الأئمة* روایات عرضه اعمال را با عنوان «بَابُ وَجُوبِ الْحَذَرِ مِنْ عَرْضِ الْعَمَلِ عَلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ الْأَيْمَةِ عليه السلام» نام گذاری کرده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق: ج ۱۶، ۱۰۷، باب ۱۰۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۸ ق: ج ۵، ۵۶۷، باب ۱۲) و این تعبیر نشان می دهد که برداشت ایشان هم از هدف گذاری روایات عرضه اعمال تحذیر بندگان است.

همین فلسفه درباره چرایی کتابت اعمال توسط فرشتگان موکل به انسان نیز وارد شده است؛ شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد با این که خداوند عالم به اسرار و نهایان هاست، چه دلیلی برای وجود فرشتگان نویسنده اعمال وجود دارد؟ حضرت فرمود:

اسْتَعْبَدَهُمْ بِذَلِكَ وَ جَعَلَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ لِيَكُونَ الْعِبَادُ لِمَلَا زَمَتَهُمْ إِيَّاهُمْ أَشَدَّ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ مُوَاطَبَةً وَ عَنْ مَعْصِيَتِهِ أَشَدَّ انْتِبَاضاً وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ يَهُمُّ بِمَعْصِيَتِهِ فَذَكَرَ

مَكَانَهُمَا فَارْعَوَى وَكَفَّ فَيَقُولُ رَبِّي يَرَانِي وَحَفَّظْتَنِي عَلَىٰ بَدَلِكَ تَشَهُدُ:

خداوند این کار را عبادت فرشتگان قرار داد و آنها را شاهدانی بر آفریدگانش گرفت تا بندگان با احساس حضور این فرشتگان بر عبادت خدا مواظبت بیشتری داشته و از گناهان بیشتر دوری کنند. چه بسا بنده‌ای که قصد گناه می‌کند، ولی با یادآوری این فرشتگان خودداری می‌کند و می‌گوید پروردگارم مرا می‌بیند و مراقبانم در قیامت بر علیه من گواه خواهند بود (طبرسی ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۳۴۸).

ملاً حبیب‌الله خوبی (۱۳۲۴ق) از جمله کسانی است که این فلسفه را برای عرضه اعمال ذکر کرده است؛ وی در شرح نهج البلاغه، می‌نویسد:

فان قلت: ما فائدة تلك الشهادة و ما ثمره عرض الأعمال عليهم و اطلاعهم بذلك و الناس كلهم يردون إلى عالم الغيب و الشهادة و يتبهم بما كانوا يعملون. قلت: ثمره ذلك أن الناس إذا علموا أن لهم شهداء و رقباء و كتابا يكتبون ما يفعلون لا يغادرون صغيرة و لا كبيرة و أن النبي و الأئمة يعرض عليهم الأعمال و يطلعون بما يعملون كان ذلك رادعاً للنفس الامارة عن الانهماك في الشهوات و مانعا لها عن متابعة الأهواء و اللذات... (خوبی، ۱۴۰۰ق: ج ۵، ۲۰۲)؛

اگر بپرسی که فایده شهادت بر اعمال و عرضه اعمال بر پیامبر ﷺ و اهل بیت ﺍﻟﻤﺎﺋﻤﻪ چیست در حالی که در روز قیامت همه اعمال بر ملا می‌شود، پاسخ من چنین است که ثمره این کار این است که مردم وقتی بدانند کسانی شاهد اعمال و مراقب کردار ایشان هستند و ایشان را ثبت و ضبط می‌کنند و از نوشتن هیچ عمل کوچک و بزرگی فروگذار نمی‌کنند و همه اعمال‌شان بر پیامبر ﷺ و ائمه ﺍﻟﻤﺎﺋﻤﻪ عرضه می‌شود و از کردارشان اطلاع دارند، همین مسئله باعث می‌شود نفس اماره از غرق شدن در شهوات و پیروی از هوی و هوس منع شود....

سیدبن طاووس نیز مسئله عرضه اعمال را مستمسکی برای مراقبه هرچه بیشتر سالکان الی الله می‌داند و می‌نویسد:

و اعلم أن كل من صدق بأن الأعمال تعرض عليه يلزمه من الأدب معه بعد وفاته كما يلزمه الأدب لو كان بين يديه... (ابن طاووس، بی تا: ۹۸)؛

بدان که هرکس تصدیق کند که اعمالش بر رسول خدا ﷺ عرضه می‌شود، پس از وفات ایشان هم همان‌گونه که در زمان حیاتش ادب به خرج می‌داد، ادب به خرج می‌دهد.

پوشیده نیست که بازهم این سؤال در ذهن خودنمایی می‌کند که مگر تحذیر بندگان با

این که به آنها گفته شود «خدا و رسول و ائمه علیهم السلام از کردار شما آگاه هستند» محقق نمی شود؟ با این وجود چه نیازی به عرضه اعمال و مشاهده آنها وجود دارد؟ جز این که کسی بگوید التفات به این که کسی اعمال ما را می بیند، بیشتر در انسان تأثیرگذار است تا التفات داشته باشیم که وی اعمال ما را می داند و از این جهت خداوند فرآیند عرضه اعمال و مشاهده آن توسط حجج خود طراحی کرده است تا تحذیر بندگان در درجه بالاتری محقق شود.

۵. عبادتی برای فرشتگان

هم چنان که در برخی روایات پیشین اشاره شد، کتابت اعمال عبادتی است که خداوند برای برخی فرشتگان تعریف کرده است و بدین وسیله به ذات اقدس الهی تقرب می جویند:

اَسْتَعْبَدُهُمْ بِذَلِكَ وَ جَعَلَهُمْ شُهوداً عَلَى خَلْقِهِ (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۳۴۸)؛

خداوند این کار را عبادت فرشتگان قرار داد و آنها را شاهدانی بر آفریدگانش گرفت.

عرضه اعمال را نیز می توان از همین سنخ عبادات دانست؛ با این توضیح، امام و حجّت الهی بدون عرضه اعمال به کردار افراد امت آگاه است، ولی با این وجود خداوند ایشان را مکلف ساخته که اعمال را به محضر حجّت الهی عرضه نمایند و بدین وسیله عبادتی از ایشان محقق شده باشد و یا چنانچه خواهد آمد مقام ولی الهی را به ایشان تفهیم کرده باشد. این فرضیه برای توجیه عرضه اعمال، محتمل است ولی شاهد واضحی برای آن در روایات به چشم نمی خورد.

۶. اظهار عظمت خداوندی و تفهیم عظمت مقام حجّت الهی

حافظ بُرسی (ت ۸۱۳ق) در پاسخ به این سؤال که با توجه به علم خداوند سبحان به اعمال بشر و نیز علم نبی و امام به اعمال، عرضه اعمال چه ضرورتی دارد، معتقد است گرچه خداوند سبحان به اعمال بندگان آگاه است لیکن عرضه اعمال به صورت مرتّب توسط ملائکه، به نوعی رونمایی از عظمت و حشمت مقام ربوبی است. امام نیز گرچه از اعمال اطلاع دارد، ولی دستور خداوند به عرضه اعمال توسط فرشتگان، برای تفهیم عظمت مقام امامت به فرشتگان است. وی می نویسد:

... أن الفائدة في عرضها على الله أن كثرة الأعوان تدلّ على عظمة السلطان. وأما الفائدة في عرضها على الولي، فإن ذلك على سبيل الطاعة والتعظيم، لأنه ما من أمر ينزل من السماء ويصعد من الأرض إلا ويعرض على الولي لتعلم الملائكة أن لله حجة في أمره، وأنه مطاع الأمر، وأن أهل السماوات والأرض متعبّدون بخدمته وحبّه وطاعته، و

سبحان من استعبد أهل السماوات والأرض بولاية محمد وآل محمد (حافظ برسی، ۱۴۲۲ق: ۲۱۴).

این سخن گرچه در مقام ثبوت، می‌تواند تصویری مقبول باشد، لکن در بوته احتمال قرار دارد و در مقام اثبات شاهی از روایات و آیات آن را همراهی نمی‌کند.

۷. سنجش اعمال

برخی با این پیش فرض که اعمال انسان‌ها در ایستگاه‌های مختلفی مورد بررسی و سنجش قرار می‌گیرند و برخی از ایستگاه‌ها در دنیا و برخی در آخرت قرار دارند، عرضه اعمال را موقفی دنیوی برای سنجش اعمال دانسته می‌نویسد:

یکی از حکمت‌های عرضه اعمال انسان‌ها به محضر انبیای الهی و امامان معصوم، سنجش اعمال باشد و اگر اعمال انسان‌ها در این مرحله از مراحل سنجش پذیرفته شوند، مصداق آیه شریفه «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» می‌شوند (حسینی‌نیا، ۱۳۹۸ ش: ۲۷).

این توجیه نیز همچون توجیه پیشین، ثبوتاً محتمل ولی اثباتاً نیازمند به ارائه دلیل یا شاهی از ادله عرضه اعمال است.

نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل روایات عرضه، نشان می‌دهد که در تحلیل آیات و روایات عرضه اعمال ناگزیر از یکی از این دو امر هستیم:

اول این که بپذیریم عرضه اعمال یکی از منابع علم امام و حجت الهی است که علاوه تولید علم آثار و برکات دیگری هم دارد مانند فراهم کردن زمینه شهادت حجج الهی در روز قیامت، دعا و استغفار امام برای امت، تحریک حس حیا و دوری از گناهان و...

دوم این که نپذیریم عرضه اعمال منبع علم امام و حجت الهی باشد که در این صورت ثمره عرضه اعمال می‌تواند منحصر در فراهم کردن شرط صحت شهادت و تحقق تحمل شهادت بر اعمال باشد.

منابع

قرآن کریم
نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ ش)، *الأمالی*، تهران: کتابچی، ششم.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، ترجمه: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۳. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، تدوین: محمد حسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین، اول.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد (۱۳۷۹ق)، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، قم: علامه، اول.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶ش)، محاسبة النفس، تهران: مرتضوی، چهارم.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۵ق)، الدرر الواقية، بیروت: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، اول.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا)، سعد السعود للنفوس منضود، قم: دارالخائر، اول.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تدوین: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول.
۹. حافظ برسی، رجب بن محمد (۱۴۲۲ق)، مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنين عليه السلام، تدوین: علی عاشور، بیروت: اعلمی، اول.
۱۰. حسینی نیا، سید محمد رضا (۱۳۹۸ش)، «تحلیلی بر مسئله عرض اعمال با رویکردی بر آیه ۱۰۵ توبه»، مطالعات تفسیری، شماره ۴۰.
۱۱. شاکر اشتیجه، محمد تقی (۱۳۹۱ش)، «منابع علم امام در قرآن»، امامت پژوهی، شماره ۶.
۱۲. شاکر، محمد تقی؛ نوراللهی، سید محمد (۱۳۹۰ش)، «قرآن مسئله شهادت شاهدان و هدایت برگزیدگان»، پژوهش های اعتقادی کلامی، شماره ۳.
۱۳. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات، تدوین: محسن کوجه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم.
۱۴. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ترجمه: محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی، اول.
۱۵. عاملی، شیخ حرّ (۱۴۰۸ق)، هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة، تدوین: آستان قدس رضوی (بنیاد پژوهش های اسلامی؛ گروه حدیث)، مشهد: آستانة الرضویة المقدسة/ مجمع البحوث الإسلامية، اول.
۱۶. عاملی، شیخ حرّ. وسائل الشیعة. اول. تدوین توسط مؤسسه آل البيت علیهم السلام. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.

۱۷. عدّه‌ای از علما (۱۳۸۱ش)، *الأصول الستة عشر*، تدوین: ضیاء‌الدین محمودی، نعمت‌الله جلیلی و مهدی غلامعلی. قم: دارالحدیث، اول.
۱۸. غزالی، ابوحامد (بی‌تا)، *إحياء علوم الدين*، بیروت: دارالمعرفة.
۱۹. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امام أميرالمؤمنین علی عليه السلام، اول.
۲۰. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة‌الله (۱۴۰۷ق). *الدعوات (سلوة الحزین)*، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی عليه السلام، اول.
۲۱. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة‌الله (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، تدوین: مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسه امام مهدی عليه السلام، اول.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تدوین: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، قم: دارالکتب الإسلامية، چهارم.
۲۳. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲ق)، *الزهد*، تدوین: غلامرضا عرفانیان یزدی، قم: المطبعة العلمية، دوم.
۲۴. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، *تفسیر فرات کوفی*، تدوین: محمد کاظم، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي، اول.
۲۵. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش)، *عیون الحکم والمواعظ*، تدوین: حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث، اول.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، تدوین: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
۲۷. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق)، *روضه المتقین*، تدوین: علی پناه اشتهازدی و حسین موسوی کرمانی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، دوم.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامية، دهم.
۲۹. ملکی میانجی، محمدباقر (۱۴۱۴ق)، *مناهج البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / سازمان چاپ و انتشارات، اول.
۳۰. نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ق)، *فرق الشیعة*، بیروت: دارالأضواء، دوم.
۳۱. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، تدوین: مؤسسه آل‌البتی عليه السلام، قم: مؤسسه

آل البيت عليهم السلام، اول.

۳۲. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ق)، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة*، تحقیق:

محمدباقر کمره ای و حسن زاده آملی، تهران: مکتبه الإسلامیة، چهارم.

۳۳. هیثمی، ابوالحسن نورالدین (۱۴۱۴ق)، *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*، محقق: حسام الدین

القدسی، قاهره: مکتبه القدسی.

